



پیش‌بینی اضطراب دختران نوجوان براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران با میانجی‌گری تمایز یافتگی خود و طرحواره‌های ناسازگار اولیه دختران
Predicting Adolescent Girls' Anxiety by Early Maladaptive Schemas of their Mothers with the Mediation of their Self-Differentiation and Early Maladaptive Schemas

Fatemeh Keshvari

Ahmad Karbalaee Mohammad Meigouni

Hossein Rezabakhsh

Sara Pashang

فاطمه کشوری*

احمد کربالایی محمد میگوئی**

حسین رضابخش***

سارا پاشنگ***

Abstract

The purpose of the study was to predict adolescent girls' anxiety based on early maladaptive schemas of their mothers with the mediation of their self-differentiation and early maladaptive schemas. The statistical population of this study included all adolescent girls in the 7th, 8th, and 9th grade in Fardis City (located in Alborz Province) during the first semester of 2019-2020. The sample was selected using the convenience sampling method, and included 300 participants. The measurement tools included Beck Anxiety Inventory (BAI); Differentiation of Self Inventory (DSI), and Young Schema Questionnaire (YSQ). Structural equation modeling was utilized to analyze the data. The results showed that the direct coefficient path between maternal maladaptive schemas and anxiety was positive and significant. The indirect coefficient path between maternal maladaptive schemas and anxiety was positive and significant with the mediation role of self-differentiation and early maladaptive schemas. Educating parents, especially mothers, to reduce the manifestations of their maladaptive schemas in their relationships with their children, as well as focusing on personality preparations in treating anxiety is recommended to therapists and clinicians.

Keywords: Anxiety, Self-Differentiation, Girls, Mothers, Early Maladaptive Schemas

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، پیش‌بینی اضطراب دختران نوجوان براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران با میانجی‌گری تمایز یافتگی خود و طرحواره‌های ناسازگار اولیه دختران بود. روش پژوهش برحسب هدف کاربردی و برحسب گردآوری اطلاعات همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی نوجوانان دختر مقطع متوسطه اول شهرستان فردیس استان البرز در نیمسال اول ۹۹-۱۳۹۸ بود. از میان آن‌ها به روش نمونه‌گیری در دسترس ۳۰۰ نفر انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه اضطراب بک (BAI)، پرسشنامه تمایز یافتگی خود (DSI) و پرسشنامه طرحواره یانگ (YSQ) بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج نشان داد ضریب مسیر مستقیم بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادر و اضطراب دختران مثبت و معنادار بود. ضریب مسیر غیرمستقیم بین طرحواره‌های ناسازگار مادر و اضطراب دختران به‌واسطه تمایز یافتگی خود و طرحواره‌های ناسازگار اولیه مثبت و معنادار بود. آموزش والدین به‌ویژه مادران، به‌منظور کاهش تظاهرات طرحواره‌های ناسازگار آن‌ها در روابطشان با فرزندان دخترشان و همچنین تمرکز بر پیش‌آمادگی‌های شخصیتی دختران نوجوان در درمان اضطراب آن‌ها به درمانگران و بالینگران پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اضطراب، تمایز یافتگی خود، دختران، مادران، طرحواره‌های ناسازگار اولیه

*دانشجوی دکتری گروه روان‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

**نویسنده مسئول: استادیار گروه روان‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

***استادیار گروه روان‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

مقدمه

نوجوانی، به دوره‌ای از جریان تدریجی زندگی که با تحول عمیق در جسم و روان و قدرت تجسم و تخیل همراه است، اطلاق می‌شود (کیتینگ، دیمیدنکو و کلی، ۲۰۱۹). تغییرات ساختاری دوران بلوغ، برای نوجوانان یک بحران محسوب شده و می‌تواند منجر به ایجاد و تداوم مشکلات نوجوانی از جمله افزایش اضطراب شود (پاج و کاتلیر، ۲۰۱۸). اضطراب^۱ هیجانی، پایه‌ای است که اجزای عاطفی، ادراک‌های حسی و شناختی را دربردارد (ویدمن، ۲۰۱۵). اضطراب، از جمله شایع‌ترین نشانه‌های روان‌پزشکی و حالت روان‌شناختی که مشخصه آن انتظارات نگران‌کننده و ترس است (آفتاب، ۱۳۹۵). افراد با حالت اضطرابی بالا و به‌نوعی مضطرب، اغلب نگرانی‌های بیش‌ازحدی را تجربه می‌کنند (شروود، کاریدیس، ولان و امرسون، ۲۰۲۰). به طوری که منجر به اجتناب از تهدیدات بالقوه با انگیزه کاهش هیجان‌های منفی می‌شود (بوهک، اسپچادک، دیکسون و تول، ۲۰۲۰). اضطراب شدید، منجر به نقص در کارایی پردازش کارکردهای اجرایی و اُفت یادگیری و عملکرد تحصیلی می‌شود (اسمیدرن، هوئرکمپ، میلر، هول و اوجیل، ۲۰۰۷).

طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۲، می‌توانند بر ادراک فرد از واقعیت جهان بیرونی، پردازش شناختی و هیجانی و روابط بین‌فردی او تأثیر بگذارند (جانووسکی، راک، تورستینسون، کلارک و مورای، ۲۰۲۰) و موجب مشکلات هیجانی نظیر اضطراب شوند (دلایتر و همکاران، ۲۰۰۴). برآورده شدن نیازهای هیجانی و جسمانی نوجوان در خانواده و به‌واسطه مظاهر دلبستگی کودک، به‌قدر کافی موجب شکل‌گیری طرحواره‌های سازگارانه‌ای در مورد خود و دیگران می‌شود که احساس ارزش‌مندی، استقلال، شایستگی، دوست داشته شدن و مراقبت شدن را برای فرد به ارمغان می‌آورد و واکنش افراد به بافت اجتماعی را تعیین می‌کنند (کوروک، ۲۰۱۷)؛ با این حال، روابط خانوادگی اولیه که حاکی از ناکارآمدی و بی‌کفایتی والدین در فراهم آوردن ساختار و روابط عاطفی چشمگیر و در حد نیاز است (میکولینسر و شاور، ۲۰۱۲)، موجب به‌وجود آمدن طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌شود (بوسمانس، بریت و ویلبرگ، ۲۰۱۰). طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوها یا درون‌مایه‌های عمیق، فراگیر و ناکارآمدی است که در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته، در دوران بزرگسالی تداوم می‌یابد و در عمیق‌ترین سطح شناخت، عمل می‌کند که معمولاً فرد نسبت به آن‌ها آگاهی ندارد. در شکل‌گیری طرحواره‌ها خلق‌وخوی ذاتی با تجارب ارتباطی غیرانطباقی اولیه، تعامل می‌کنند (رضایی، غلامرضایی، سپهوندی، غضنفری و دریکوند، ۱۳۹۲). در الگوی طرحواره‌ای، طرحواره‌های بر طبق پنج نیاز هیجانی ارضا نشده تقسیم می‌شوند که آن‌ها را «حوزه‌های طرحواره» می‌نامند که عبارت است از: ۱- بریدگی و طرد؛ ۲- خودگردانی و

۱. anxiety

۲. early maladaptive schema

۳. disconnection and rejection

عملکرد مختل^۱؛ ۳- محدودیت‌های مختل^۲؛ ۴- دیگر جهت‌مندی^۳ و ۵- گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری^۴ (یانگ، کلوسکو و ویشر، ۲۰۰۶).

نظریه‌های شناختی، سعی بر آن داشته‌اند تا ارتباط بین تجارب کودکی و اختلال‌های روان‌شناختی بعدی را براساس مکانیسم‌های شناختی تبیین کنند (فرازمند، محمدخانی، پورشهباز و دولتشاهی، ۱۳۹۶). طرحواره‌ها، باعث می‌شود افراد مستعد افسردگی، اضطراب، روابط بین‌فردی ناکارآمد و اختلال‌های روانی- جسمانی شوند (رضایی و همکاران، ۲۰۱۳). در این راستا؛ حسینی، پاکیزه و سالاری (۲۰۱۴) طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دشواری تنظیم هیجانی عوامل شناختی و عاطفی مؤثر در بروز اضطراب معرفی کرده‌اند. شات، ماد و مک لاچلان (۲۰۱۹) چنین نتیجه گرفتند که بین فرزندپروری والدین و طرحواره‌های ناسازگار اولیه و همچنین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تجربه هیجان‌های خشم، افسردگی و اضطراب رابطه وجود دارد.

می‌توان بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌عنوان بخش بنیادین و سرسخت شناخت‌های افراد که در دوره‌های تحولی رشد شکل گرفته‌اند، با رفتارهای ناسازگارانه افراد و میزان تمایز یافتگی^۵ آن‌ها در مقاطع بعدی رشد، رابطه برقرار کرد (کشاورز افشار، قنبریان، جبلی و سعادت، ۱۳۹۷). علاوه‌براین، تمایز یافتگی خود یک ویژگی شخصیتی است که می‌تواند از نسلی‌به‌نسل دیگر منتقل شود؛ به‌این‌معنا که اگر والدین دچار تمایز نیافتگی باشند، کودک آنان نیز از این مشکل رنج می‌برد (رییس‌الساداتی، نظربلند و خوش‌کنش، ۱۳۹۵). تمایز یافتگی خود^۶، ویژگی شخصیتی است که توانایی ایجاد تعادل در دو سطح درون‌روانی و فراروانی (بین‌فردی) تعریف می‌شود. تمایز یافتگی خود، با توجه به کارکرد درون‌روانی، توانایی جداسازی فرآیندهای عاطفی از فرآیندهای عقلانی و با توجه به کارکرد بین‌فردی، توانایی تجربه کردن صمیمیت همراه با استقلال در روابط بین‌فردی و تعادل مناسب میان آن‌ها را نشان می‌دهد (نیکولز و دیویس، ۲۰۱۶). تمایز یافتگی خود که توانایی فرد برای تفکیک خود از دیگران در سطح شناختی و هیجانی است، از ظرفیت خود^۷ برای کنش اجتماعی حاصل می‌شود (میر، ۲۰۲۰) و ظرفیت تفکر را به‌طوری فراهم می‌آورد که فرد به‌صورت خودکار به فشارهای هیجانی درونی یا بیرونی پاسخ ندهد. بدین ترتیب، توانایی افراد در انعطاف‌پذیر بودن و عاقلانه عمل کردن به خصوص در مواجهه با اضطراب تعریف شده است (نیکولز و دیویس، ۲۰۱۶). در این راستا، بهبودی (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان داد که پنج حوزه طرحواره‌های ناسازگار اولیه قادر به پیش‌بینی تمایز یافتگی خود هستند.

در طول رشد نوجوانی، خانواده یکی از عوامل مؤثر و اساسی در رشد افراد است (والش، جويس، مالونی و وایتانانان، ۲۰۲۰). کودک از بدو تولد خصوصياتی را از والدین خود به ارث می‌برد و بدین ترتیب، زمینه‌های

-
۱. impaired autonomy and performance
 ۲. impaired limits
 ۳. other/ directedness
 ۴. over-vigilance and inhibition
 ۵. differentiation
 ۶. self-differentiation
 ۷. ego

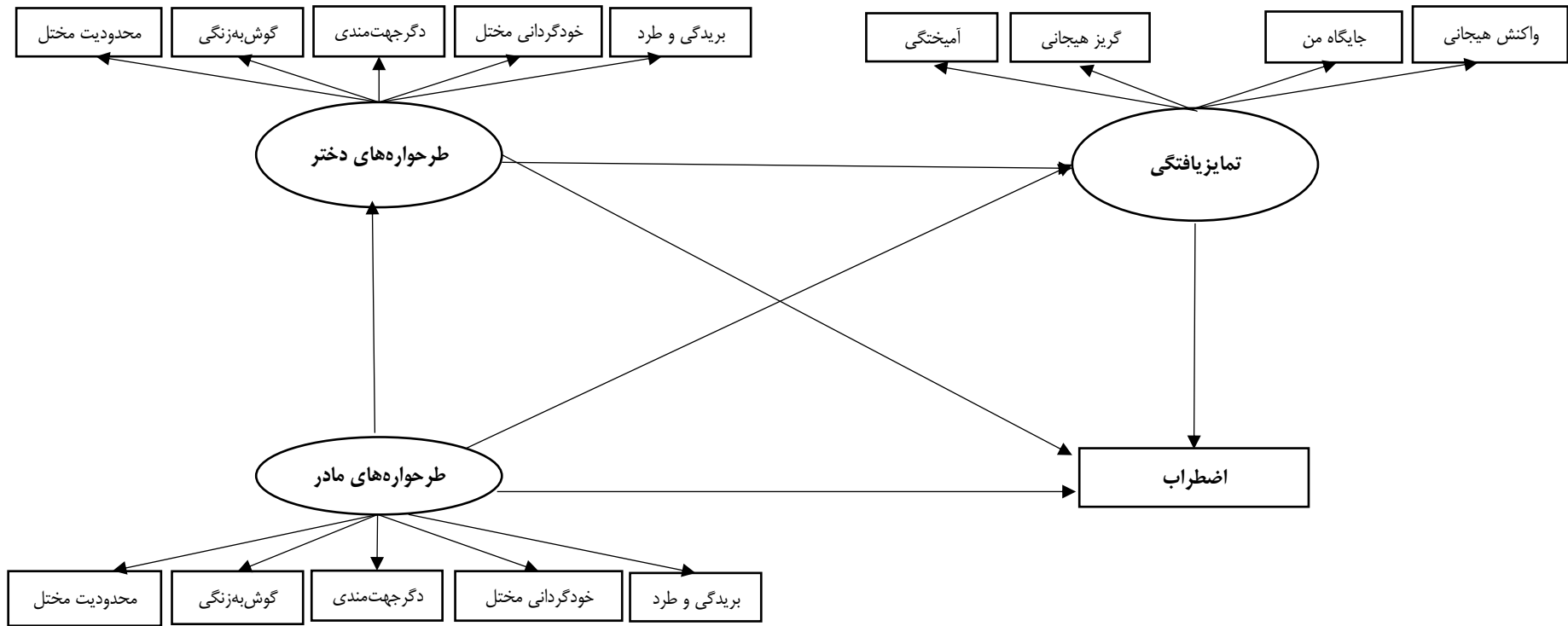
رشد او فراهم می‌شود. خانواده به‌عنوان عاملی محیطی در تکوین و شکل‌گیری شخصیت کودک، اثرات بسیار اساسی و مهمی دارد (کوئین و دی‌اونفریو، ۲۰۱۹). نخستین کسانی که کودک از آن‌ها الگو می‌گیرد و بسیاری از روحيات و غرایز او در اثر تماس با آن‌ها به‌وجود می‌آید، والدین هستند (محمدی و صابر، ۱۳۹۷). هیچ بستری از نظر قدرت و گستره تأثیر، با خانواده برابری نمی‌کند. خانواده بین افراد پیوندهایی برقرار می‌کند که منحصر به فرد هستند (واتسون، ۲۰۱۲). از آن‌جا که خانواده، رشد فردی اولیه و شخصیت آدمی را پایه‌ریزی می‌کند و از سوی دیگر، کودک در بیشتر حالت‌های خود، مقلد پدر و به‌ویژه مادر خود است؛ بنابراین نخستین سال‌های زندگی در ایجاد شخصیت بزرگ‌سالی بسیار مهم و در این میان، نقش والدین و به‌ویژه مادر بسیار حائز اهمیت است (دانش، نیکومنش، سلیمی‌نیا، سابقی و شمشیری، ۱۳۹۳). در این راستا، نتایج پژوهش زارع سلطانی و قمری (۱۳۹۵) حاکی از اهمیت رابطه طحوراه‌های ناسازگار اولیه مادران با روابط آن‌ها با کودکان و تبیین اضطراب کودک بود. یافته‌های پژوهشی برجلی، مدیگی و گلشنی (۱۳۹۶) نشان دادند که طحوراه‌های ناسازگار اولیه و سبک دلبستگی ایمن مادران با اختلال‌های اضطرابی کودکان رابطه دارد و همچنین این دو قابلیت، پیش‌بینی اختلال‌های اضطرابی فرزندان را دارند. از نظر کشاورز افشار و همکاران (۱۳۹۷) با توجه به این‌که عملکرد خانواده بر رفتار شخص در دوران کودکی تأثیر می‌گذارد و از طرفی، هم طحوراه‌های ناسازگار اولیه در کودکی شکل می‌گیرد. نظری، کاکاوند و مشهدی‌فراهانی (۱۳۹۴) چنین پیشنهاد کردند که طحوراه‌های ناسازگار اولیه والدین، می‌توانند در شکل‌گیری شیوه‌های خاص فرزندپروری و در نهایت، اختلال‌های بیرونی کودکان مؤثر باشند.

گرچه دیگر نوجوانی را دوره طوفان و فشار در نظر نمی‌گیرند؛ با این حال، نوجوانان چالش‌های منحصر به فردی را برای خانواده پدید می‌آورند (مارتین، باسکو و دیویس، ۲۰۱۷). پیشرفت یک جامعه، فقط با رشد کودکان و نوجوانان آن جامعه؛ یعنی کودکان و نوجوانانی که از لحاظ جسمانی و روانی اجتماعی قوی هستند؛ امکان‌پذیر است (کمالی ایگلی و ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۵). نوجوانان، یکی از اعضای مهم جامعه به‌عنوان یک نهاد سرنوشت‌ساز هستند که مسئولیت هدایت و پرورش یک نسل را برعهده دارند. با توجه به این‌که نوجوانان امروز، مادران و پدران فردای این مرز و بوم هستند و در شکل‌گیری نسل آینده و ارتقا سلامت اجتماعی نقش مهمی دارند و از آن‌جا که ویژگی‌های فردی والدین به‌ویژه ویژگی‌های مادران و ارتباط آن با ویژگی‌های و خصیصه‌های فرزندان به‌ندرت بررسی شده و در پژوهش‌ها نادیده گرفته شده‌اند و در این زمینه خلأ پژوهشی مشاهده می‌شود؛ بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر پاسخ‌گویی به سؤال و آزمون فرضیه‌های زیر بود:

آیا طحوراه‌های ناسازگار اولیه مادران با میانجی‌گری تمایز یافتگی خود و طحوراه‌های ناسازگار اولیه نوجوانان، اضطراب دختران نوجوان را پیش‌بینی می‌کند؟

فرضیه‌های اصلی

- ۱- طحوراه‌های ناسازگار اولیه مادران با میانجی‌گری تمایز یافتگی خود، اضطراب دختران نوجوان را پیش‌بینی می‌کند.
- ۲- طحوراه‌های ناسازگار اولیه مادران با میانجی‌گری طحوراه‌های ناسازگار اولیه نوجوانان، اضطراب دختران نوجوان را پیش‌بینی می‌کند.



شکل ۱- مدل نظری پژوهش

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

روش پژوهش برحسب هدف کاربردی و برحسب گردآوری اطلاعات توصیفی-همبستگی و جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی نوجوانان دختر مقطع متوسطه اول در شهرستان فردیس استان البرز در نیمسال اول ۱۳۹۸-۹۹ است. از آن‌جا که گاداگنولی و ولیسر (۱۹۹۸) پیشنهاد می‌کنند در پژوهش با رویکرد مدل‌یابی و تحلیل مسیر، نمونه‌ای با حجم حداقل ۳۰۰ نفر ضروری است، با در نظر گرفتن تعداد ۲۰ شرکت‌کننده به ازای هر متغیر مشاهده شده و تعداد ۱۵ پارامتر حجم نمونه حاضر ۳۰۰ نفر برآورد شد (کلاین، ۲۰۱۶) که به روش نمونه‌گیری در دسترس از مدارس مدارس نمونه دولتی شهیدی احمدی روشن، وحدت ۲، ثاراله، منتظر قائم و حافظ انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش شامل: ۱- زندگی مداوم با مادر از دوران کودکی تاکنون؛ ۲- اقامت در شهر فردیس و ۳- تحصیلات بالاتر از دیپلم مادر و معیارهای خروج از پژوهش شامل: ۱- معلولیت‌های جسمانی و ابتلا به بیماری‌های مزمن؛ ۲- مصرف دارو به‌خاطر وضعیت جسمانی و روانی خود؛ ۳- بستری شدن در طول سال گذشته به‌خاطر وضعیت جسمانی و روانی خود؛ ۴- دریافت روان‌درمانی به‌طور هم‌زمان و در طول یک سال گذشته؛ ۵- زندگی با سرپرستی به غیر از مادر در دوره‌ای از زندگی یا تمام طول عمر خود و ۶- معدل پایین‌تر از ۱۶ در کارنامه تحصیلی در دو نیم‌سال گذشته بود. پس از کسب مجوز از وزارت آموزش و پرورش استان البرز، مراجعه به مدارس و کسب اجازه از مدیران، دانش‌آموزان دیگر شرکت‌کننده هر کلاس به‌صورت گروهی با نحوه پاسخ‌گویی به سؤال‌ها و اهداف پژوهش آشنا و متعهد شدند که پرسشنامه‌ها را به همراه مادرانشان تکمیل کنند و ظرف ۷۲ ساعت بازگردانند. مادران به نسخه بلند پرسشنامه طرحواره یانگ و دختران به پرسشنامه اضطراب بک، پرسشنامه تمایز یافتگی خود و نسخه بلند پرسشنامه طرحواره یانگ پاسخ دادند.

ابزار سنجش

پرسشنامه اضطراب بک^۲ (BAI): این پرسشنامه توسط بک، اپستین، براون و استین در سال ۱۹۸۸، ابداع شد که شامل ۲۱ گویه که با عباراتی نظیر «کرختی و گزگز شدن» میزان اضطراب را مورد سنجش قرار می‌دهد؛ همچنین در یک طیف لیکرت چهار درجه‌ای از اصلاً=۰ تا شدید=۳ نمره‌گذاری می‌شود. بک و همکاران (۱۹۸۸) برای این ابزار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و همبستگی این ابزار را با مقیاس تجدیدنظر شده درجه‌بندی اضطراب همیلتون (۱۹۵۹) برابر با ۰/۵۱ و مقیاس درجه‌بندی افسردگی همیلتون برابر با ۰/۲۵ به‌عنوان شاخصی از روایی مناسب گزارش کردند. رفیعی و سیفی (۱۳۹۲)، برای این ابزار ضریب پایایی ۰/۹۰ را گزارش کردند و نشان دادند پنج عامل (مؤلفه اصلی) جهت تبیین پراکندگی موجود در این پرسشنامه وجود دارد که ۵۸/۵۴

۱. به شماره نامه ۱۳۹۸/۰۹/۱۸ در تاریخ ۲۴۰۲/۱۴۴۷۵/۳۱

۲. Beck Anxiety Inventory (BAI)

درصد از کل پراکندگی موجود در مقادیر اضطراب را تبیین می‌کند. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای این ابزار ۰/۸۷ به دست آمد. همچنین در پژوهش حاضر، برای بررسی روایی محتوایی گویه‌ها از شاخص نسبت روایی محتوایی^۱ استفاده شد که حاکی از روایی محتوایی مطلوب گویه‌ها بود.

پرسشنامه تمایز یافتگی خود^۲ (DSI): این پرسشنامه توسط اسکورن و اسمیت در سال ۲۰۰۳ ابداع شد. پرسشنامه تمایز یافتگی خود، شامل ۴۵ گویه است که برای سنجش میزان تمایز یافتگی فرد به کار می‌رود و چهار خرده‌مقیاس واکنش‌پذیری هیجانی، جایگاه من، گریز هیجانی و آمیختگی با دیگران را با گویه‌هایی نظیر «نظر مردم درباره من این است که بیش از حد عاطفی هستم» در یک طیف لیکرت از ۱=هرگز، ۲=خیلی کم، ۳=کم، ۴=برخی اوقات، ۵=بیشتر اوقات تا ۶=همیشه مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به جز سؤال‌های ۴، ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۲۷، ۳۱، ۳۷، ۴۱، ۴۳ و ۴۶ باقی سؤال‌ها پرسشنامه به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. اسکورن و اسمیت (۲۰۰۳) برای این ابزار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و همبستگی این ابزار را با خرده‌مقیاس ترس از رها شدن، پرسشنامه تجربه روابط نزدیک^۳ برنان، کلارک و شاور، ۱۹۹۸ برابر با ۰/۵۳- گزارش کردند. فخاری، لطیفیان و اعتماد (۱۳۹۳) برای این ابزار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ و همبستگی این ابزار را با پرسشنامه سلامت عمومی در دامنه‌ای از ۰/۲۶- تا ۰/۴۷- گزارش کردند. در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های واکنش‌پذیری هیجانی، جایگاه من، گریز هیجانی و آمیختگی با دیگران به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۷۳، ۰/۷۲ و ۰/۷۵ به دست آمد. همچنین در پژوهش حاضر، برای بررسی روایی محتوایی گویه‌ها از شاخص نسبت روایی محتوایی استفاده شد که حاکی از روایی محتوایی مطلوب گویه‌ها بود.

نسخه بلند پرسشنامه طرحواره یانگ^۴ (YSQ-LF): این ابزار توسط یانگ و براون در سال ۱۹۹۴ ابداع شد. نسخه بلند پرسشنامه طرحواره یانگ، شامل ۲۰۵ گویه است که برای سنجش پنج حوزه از طرحواره‌های ناسازگار اولیه شامل بریدگی و طرد؛ خودگردانی و عملکرد مختل؛ دگرجهت‌مندی؛ گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری؛ محدودیت‌های مختل به کار می‌رود و ۱۶ طرحواره را با گویه‌هایی نظیر «کسانی که نیازهای عاطفی مرا برآورده کنند وجود ندارند» در یک طیف لیکرت شش درجه‌ای از کاملاً درست درباره من=۶ تا کاملاً غلط درباره من=۱ مورد ارزیابی قرار می‌دهد. والر، میر و اوهانیان (۲۰۰۱) برای این ابزار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۸ و همبستگی این ابزار را با پرخوری عصبی در زنان برابر با ۰/۳۸ گزارش کردند. در پژوهش صدوقی، آگیلار- وفایی، رسول‌زاده طباطبایی و اصفهانیان (۱۳۸۷) برای این ابزار ضریب آلفای کرونباخ برای کل ابزار ۰/۹۴ و برای خرده‌مقیاس‌ها در دامنه‌ای از ۰/۶۲ تا ۰/۹۰ گزارش و تحلیل عاملی تبیینی با چرخش

۱. Content Validity Ratio (CVR)

۲. Differentiation of Self Inventory (DSI)

۳. Experiences in Close Relationships Inventory (ECRI)

۴. Young Schema Questionnaire-Long Form (YSQ-LF)

واریانس مقیاس‌های قابل تفسیری را برای همه ۱۵ خرده‌مقیاس طرحواره مطرح شده توسط یانگ به‌بار آوردند. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای پنج حوزه طرحواره‌ای بریدگی و طرد؛ خودگردانی و عملکرد مختل؛ دگرجهت‌مندی؛ گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری؛ محدودیت‌های مختل برای مادر به‌ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۷، ۰/۷۷، ۰/۸۰ و ۰/۸۷ و برای دختر به‌ترتیب ۰/۸۸، ۰/۸۹، ۰/۸۷، ۰/۸۶ و ۰/۸۷ به‌دست آمد. در پژوهش حاضر همچنین برای بررسی روایی محتوایی گویه‌ها از شاخص نسبت روایی محتوایی استفاده شد که حاکی از روایی محتوایی مطلوب گویه‌ها بود.

برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی از جمله میانگین و انحراف معیار و روش تحلیل مسیر به شرط برقراری پیش‌فرض‌های نرمال بودن و عدم رابطه وجود هم‌خطی در بین متغیرهای پیش‌بین از شاخص‌های چولگی و کشیدگی، ضریب تحمل^۱ و تورم واریانس^۲ و ضریب همبستگی پیرسون و برای آزمون برازش مدل از شاخص نیکویی برازش با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS-۲۴ و AMOS-۲۴ استفاده از روش برآورد بیشینه احتمال مورد ارزیابی قرار گرفت. پس از حذف پرسشنامه‌های مخدوش و پرت داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شدند. یک مدل معادلات ساختاری کامل از دو مؤلفه تشکیل است: مدل ساختاری و مدل اندازه‌گیری. به‌همین دلیل، لازم است پیش از پرداختن به مدل ساختاری، مدل اندازه‌گیری پژوهش حاضر مورد ارزیابی قرار گیرد تا مشخص شود آیا متغیرهای مشاهده شده از توان لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون برخوردارند یا خیر.

یافته‌ها

الف) توصیف جمعیت شناختی

در پژوهش حاضر، میانگین سنی مادران شرکت‌کننده ۳۵/۳۳ و انحراف معیار آن ۶/۸۷ بود. ۹۲ نفر (۳۰/۶۷ درصد) از مادران شرکت‌کننده در پژوهش در طبقه سنی زیر ۳۰ سال، ۱۲۲ نفر (۴۰/۶۷ درصد) در طبقه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال، ۴۸ نفر (۱۶ درصد) در طبقه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال و ۳۴ نفر (۱۱/۳۳ درصد) در طبقه سنی بالاتر از ۵۰ سال داشتند. ۷۶ نفر (۲۵/۳۳ درصد) از مادران شرکت‌کننده در پژوهش تحصیلات دیپلم، ۶۴ نفر (۲۱/۳۳ درصد) تحصیلات فوق دیپلم، ۱۳۲ نفر (۴۴ درصد) تحصیلات لیسانس، ۱۷ نفر (۳/۶۷ درصد) تحصیلات فوق لیسانس و ۱۱ نفر (۳/۶۷ درصد) تحصیلات دکتری داشتند. ۷۶ نفر (۲۵/۳۳ درصد) از مادران شرکت‌کننده در پژوهش مطلقه و ۲۲۴ نفر (۷۴/۶۷ درصد) متأهل بودند. ۱۰۲ نفر (۳۴ درصد) از مادران شرکت‌کننده در پژوهش خانه‌دار بودند و ۹۸ نفر (۳۲/۶۷ درصد) شغل آزاد و ۱۰۰ نفر (۳۳/۳۳ درصد) شغل دولتی بودند.

ب) توصیف شاخص‌ها

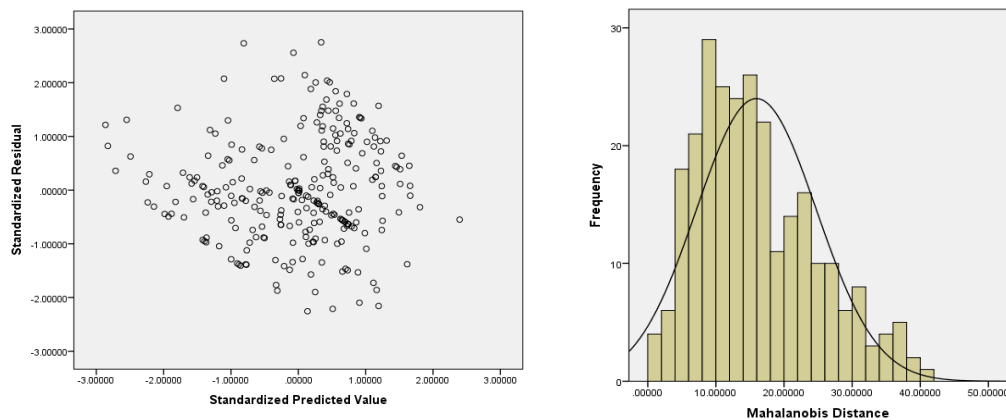
۱. tolerance coefficient

۲. variance inflation

جدول ۱- چولگی، کشیدگی، ضریب تحمل و تورم واریانس شاخص‌های پژوهش

متغیرها	چولگی	کشیدگی	ضریب تحمل	تورم واریانس
واکنش‌پذیری هیجانی	۰/۴۰۴	۰/۶۸۹	۰/۲۲۰	۴/۵۵
جایگاه من	۰/۵۰۲	-۰/۰۳۴	-۰/۲۰۵	۴/۸۸
گریز هیجانی	۰/۰۳۹	-۰/۱۳۸	-۰/۴۲۵	۲/۳۵
آمیختگی با دیگران	۰/۶۱۰	-۰/۴۸۹	-۰/۳۶۰	۲/۷۸
طرحواره مادر- بریدگی و طرد	-۰/۰۲۶	-۰/۹۸۱	-۰/۳۲۳	۳/۰۹
طرحواره مادر- خودگردانی مختل	-۰/۰۴۴	-۰/۲۹۱	-۰/۴۵۸	۲/۱۸
طرحواره مادر- دگرجهت‌مندی	۰/۰۳۰	-۰/۹۳۱	-۰/۴۳۸	۲/۲۸
طرحواره مادر- گوش به‌زنگی و بازداری بیش‌ازحد	۰/۲۶۷	۱/۱۶	-۰/۳۴۱	۲/۹۳
طرحواره مادر- محدودیت‌های مختل	۰/۳۵۸	۱/۱۸	-۰/۳۹۶	۲/۵۲
بریدگی و طرد	-۰/۱۲۳	-۰/۱۵۷	-۰/۴۳۰	۲/۳۲
خودگردانی مختل	-۰/۰۳۹	-۰/۰۷۵	-۰/۳۰۱	۳/۲۱
دگرجهت‌مندی	-۰/۰۳۶	-۰/۰۰۵	-۰/۶۵۴	۱/۵۲
گوش‌به‌زنگی و بازداری بیش‌ازحد	-۰/۳۵۷	-۰/۲۸۷	-۰/۳۱۶	۳/۱۶
محدودیت‌های مختل	۰/۳۱۰	-۰/۱۳۲	-۰/۴۶۳	۲/۱۶
اضطراب	۰/۲۱۲	-۰/۹۰۵	-	-

جدول ۱، نشان می‌دهد که توزیع داده‌های تک‌متغیری در پژوهش حاضر نرمال است، زیرا شاخص‌های مربوط به چولگی و کشیدگی هیچ‌کدام از متغیرهای پژوهش خارج از محدود ± 2 نیست. همچنین ارزیابی مقادیر ضریب تحمل و تورم واریانس نشان می‌دهد که مفروضه هم‌خطی بودن در بین متغیرهای پیش‌بین برقرار بود.



شکل ۲- نمودار هیستوگرام فاصله مهلبوایس و نمودار پراکندگی واریانس‌های استاندارد شده خطا

ارزیابی نمودار هیستوگرام و مقادیر کشیدگی و چولگی اطلاعات مربوط به فاصله مهلنوبایس^۱ و حذف داده‌های پرت در نهایت، نشان داد که توزیع داده‌های چندمتغیری نرمال است (مقادیر چولگی و کشیدگی به ترتیب برابر با ۰/۶۶۷ و ۰/۲۹۸ بود). به منظور ارزیابی همگنی واریانس‌ها (مفروضه همگنی واریانس‌ها به این معناست که واریانس خطاها در سطوح مختلف متغیر وابسته یکسان است) نمودار پراکندگی واریانس‌های استاندارد شده خطاها^۲ مورد بررسی قرار گرفت. شکل ۲، نشان می‌دهد هیچ‌کدام از روابط در بین نشانگرها انحراف آشکار از خطی بودن را نشان نمی‌دهد.

ج) مدل اندازه‌گیری ابزار

جدول ۲- شاخص‌های برازندگی مدل اندازه‌گیری و ساختاری پژوهش

CFI	IFI	PCFI	PNFI	RMSEA	χ^2/df	χ^2	شاخص‌های برازندگی
۰/۹۰۵	۰/۹۰۶	۰/۷۰۵	۰/۶۸۰	۰/۰۹۶	۳/۴۴	۳۶۵/۴۴	مدل اندازه‌گیری اصلاح شده
۰/۹۰۵	۰/۹۰۶	۰/۷۱۰	۰/۶۸۲	۰/۰۹۳	۳/۲۸	۳۹۴/۱۰	مدل ساختاری اصلاح شده
۰/۹۰ <	۰/۹۰ <	۰/۵ <	۰/۵ <	۰/۱ >	۵ <	P > ۰/۰۵	مقادیر قابل قبول

جدول ۲، نشان می‌دهد با اصلاح مدل اولیه اندازه‌گیری و ساختاری شاخص‌هایی برازندگی به دست آمده که از برازش قابل قبول مدل با داده‌های گردآوری شده حمایت کردند.

جدول ۳- بارهای عاملی الگوی اندازه‌گیری پژوهش

C.R	S.E	β	b	متغیرها
		۰/۹۰۹	۱/۰۰۰	واکنش‌پذیری هیجانی
۲۰/۰۶۴	۰/۰۶۰	۰/۸۹۵	۱/۲۱۳	جایگاه من
۱۳/۰۲۶	۰/۰۳۰	۰/۶۸۴	۰/۳۸۶	گریز هیجانی
۱۷/۰۵۸	۰/۰۳۵	۰/۷۸۳	۰/۵۹۲	آمیختگی با دیگران
		۰/۸۶۸	۱/۰۰۰	طرحواره مادر- بریدگی و طرد
۱۳/۰۲۵	۰/۰۶۵	۰/۷۶۳	۰/۸۴۰	طرحواره مادر- خودگردانی مختل
۱۱/۶۶۴	۰/۰۴۳	۰/۶۲۳	۰/۵۰۵	طرحواره مادر- دگرجهت‌مندی
۱۴/۹۲۶	۰/۰۵۸	۰/۸۲۲	۰/۸۶۵	طرحواره مادر- گوش‌به‌زنگی و بازداری بیش‌ازحد
۱۳/۹۲۸	۰/۰۶۴	۰/۷۷۴	۰/۸۹۴	طرحواره مادر- محدودیت‌های مختل
		۰/۷۴۸	۱/۰۰۰	بریدگی و طرد
۱۰/۷۸۶	۰/۰۶۳	۰/۶۹۹	۰/۶۸۴	خودگردانی مختل
۱۳/۳۶۳	۰/۰۸۲	۰/۸۵۸	۱/۰۹۰	دگرجهت‌مندی
۵/۹۴۵	۰/۰۷۷	۰/۳۹۴	۰/۴۵۷	گوش‌به‌زنگی و بازداری بیش‌ازحد
۱۳/۶۰۱	۰/۱۰۳	۰/۸۴۷	۱/۳۹۶	محدودیت‌های مختل

۱. Mahalanobis distance (D)

۲. standardized residuals

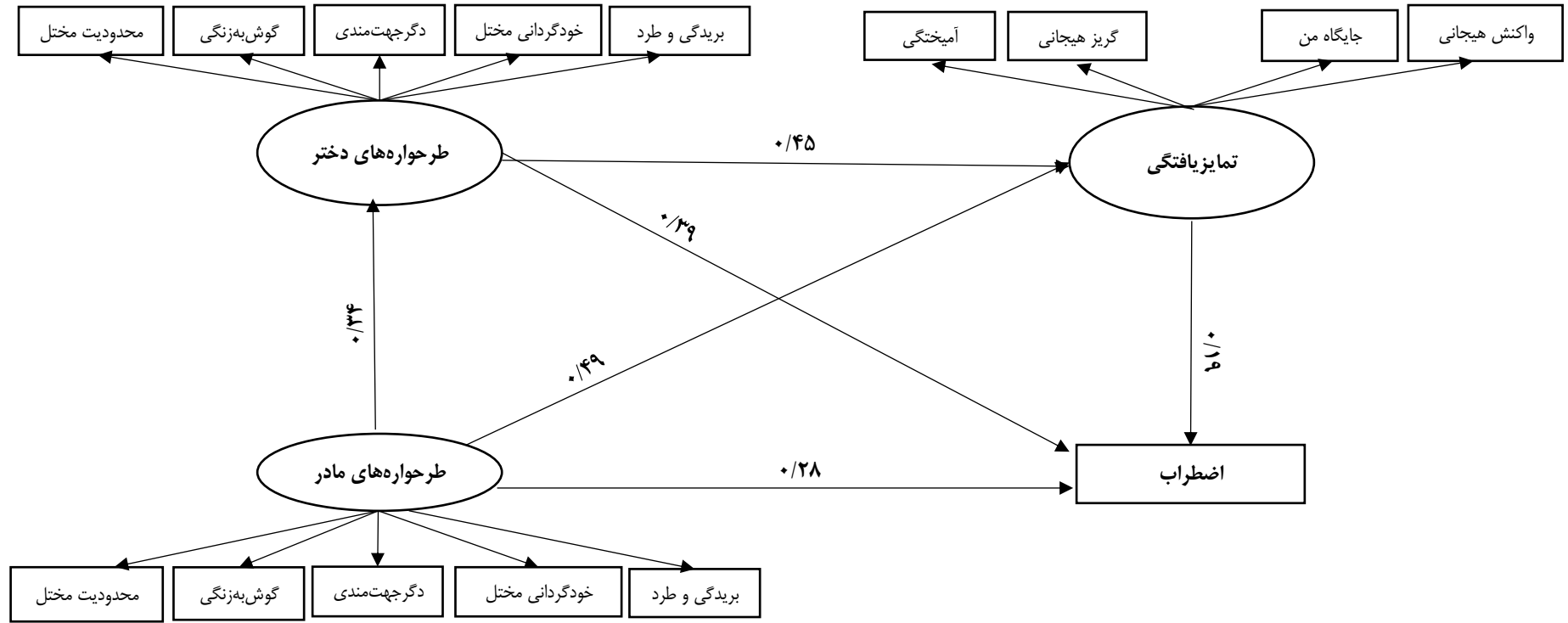
جدول ۳، نشان می‌دهد همه نشانگرهای الگوی اندازه‌گیری، از توان لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون پژوهش حاضر برخوردار بودند.

(د) آزمون فرضیه‌ها

جدول ۴- ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش

Sig	S.E	β	B	ضرایب مسیر کل
۰/۰۱	۰/۰۶۲	۰/۵۱۰	۰/۳۷۷	طرحواره مادر- اضطراب
۰/۰۱	۰/۱۴۵	۰/۴۸۵	۰/۵۶۳	طرحواره دختر- اضطراب
Sig	S.E	β	B	ضرایب مسیر مستقیم
۰/۰۱	۰/۰۶۴	۰/۲۸۷	۰/۴۸۹	طرحواره مادر- اضطراب
۰/۰۱	۰/۰۶۴	۰/۳۹۹	۲/۵۴۳	طرحواره دختر- اضطراب
۰/۰۱	۰/۰۵۴	۰/۱۹۱	۰/۵۶۴	تمایز یافتگی خود- اضطراب
۰/۰۱	۰/۰۴۳	۰/۳۴۴	۰/۱۹۹	طرحواره مادر- طرحواره دختر
۰/۰۱	۰/۱۸۴	۰/۴۵۳	۰/۹۷۶	طرحواره دختر- تمایز یافتگی خود
Sig	S.E	β	B	ضرایب مسیر غیرمستقیم
۰/۰۰۳	۰/۰۲۷	۰/۲۲۳	۰/۱۱۲	طرحواره مادر- اضطراب

جدول ۴، نشان می‌دهد ضریب مسیر کل بین طرحواره مادر و اضطراب ($\beta=۰/۵۱۰$ و $P=۰/۰۱$) در سطح $۰/۰۱$ مثبت و معنادار بود. ضریب مسیر کل بین طرحواره دختر و اضطراب ($\beta=۰/۴۸۵$ و $P=۰/۰۱$) در سطح $۰/۰۱$ مثبت و معنادار بود. ضریب مسیر مستقیم بین طرحواره مادر و اضطراب ($\beta=۰/۲۸۷$ و $P=۰/۰۱$)، طرحواره مادر و اضطراب ($\beta=۰/۳۹۹$ و $P=۰/۰۱$)، تمایز یافتگی خود و اضطراب ($\beta=۰/۱۹۱$ و $P=۰/۰۱$)، طرحواره مادر و طرحواره دختر ($\beta=۰/۳۴۴$ و $P=۰/۰۱$) و طرحواره دختر و تمایز یافتگی خود ($\beta=۰/۴۵۳$ و $P=۰/۰۱$) در سطح $۰/۰۱$ مثبت و معنادار بود. ضریب مسیر غیرمستقیم بین طرحواره مادر و اضطراب ($\beta=۰/۲۲۳$ و $P=۰/۰۰۳$) در سطح $۰/۰۰۳$ مثبت و معنادار بود.



شکل ۳- مدل برازش شده پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، پیش‌بینی اضطراب دختران نوجوان براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران با میانجی‌گری تمایز یافتگی خود و طرحواره‌های ناسازگار اولیه دختران بود. نتایج پژوهش حاضر، نشان داد طرحواره‌های ناسازگار مادران با میانجی‌گری طرحواره‌های ناسازگار دختران نوجوان، اضطراب را در آن‌ها پیش‌بینی می‌کند. نتایج پژوهش حاضر به‌لحاظ پیش‌بینی اضطراب براساس طرحواره‌های ناسازگار و تمایز یافتگی در دختران نوجوان بهبودی (۱۳۹۲)؛ حسینی، پاکیزه و سالاری (۲۰۱۴)؛ شات، ماد و مک‌لاچلان (۲۰۱۹) هم‌سو است. نتایج پژوهش حاضر به‌لحاظ پیش‌بینی اضطراب و طرحواره‌های ناسازگار و تمایز یافتگی در دختران نوجوان براساس طرحواره‌های مادران با نتایج حاصل از پژوهش‌های برجعلی، مدیگی و گلشنی (۱۳۹۶)؛ بهبودی (۱۳۹۲)؛ زارع سلطانی و قمری (۱۳۹۵)؛ کشاورز افشار و همکاران (۱۳۹۷)؛ نظری، کاکاوند و مشهدی فراهانی (۱۳۹۴) هم‌سو است.

در تبیین پیش‌بینی اضطراب دختران براساس طرحواره‌های مادران با میانجی‌گری طرحواره‌های ناسازگار دختران باید گفت، از آنجایی که خانواده شبکه‌ای از تعاملات است که در آن والدین و نوجوانان در فرآیندی دوسویه با هم در تعامل‌اند؛ بنابراین در این مجموعه، طرفین قادرند تأثیرهای بس شگرفی بر یکدیگر داشته باشند. با تأمل در کیفیت رابطه والدین و کودک و موشکافی در آن، می‌توان به نقش حساس مادر در ارتباط با کودک پی‌برد (دانش و همکاران، ۱۳۹۳) و بدین ترتیب، مادران تأثیر نیرومندی بر رشد نوجوانان دارند. ریشه شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه را باید در فردی جست‌وجو کرد که مسئول محبت مادرانه به کودک است. اگر مادر نتواند عشق و مراقبت را به موقع نثار کودک کند و هیجان‌های منفی او را تاب بیاورد، سرنوشت زندگی کودک به‌دست محرومیت هیجانی می‌افتد (گیسون، ۲۰۱۵).

وقتی مادران در خود طرحواره ناسازگار اولیه را پرورش داده باشند، چون طرحواره بالاترین سطح تعمیم یافته شناخت است که تأثیری عمیق و قدرتمند در شناخت‌واره‌ها و هیجان فرد دارد، سبب می‌شود که مادر با همان هیجان‌ها و شناخت‌واره‌های خود به فرزندپروری بپردازد و اگر هیجان‌های تنش‌زا و اضطراب‌زایی را تجربه می‌کند، آن‌ها را از طریق شیوه فرزندپروری و انتقال عاطفی و رفتاری به کودک خود منتقل کند. این امر، می‌تواند کودک را مستعد ابتلا به اضطراب شدید کند (برجعلی، مدیگی و گلشنی، ۱۳۹۶). همچنان که مفهوم طرحواره در قالب سطوح شناخت، عمیق‌ترین سطح محسوب می‌شود. در واقع، طرحواره‌ها حاصل گفت‌وگوی والدین با کودک هستند که به‌تدریج در ذهن او جای گرفته‌اند و به‌گونه‌ای نظام‌مند؛ اما ناکارآمد، زندگی وی را زیر سیطره خود گرفته‌اند (هندوست، ۱۳۹۴). طرحواره‌های ناسازگار اولیه، ریشه در دوران کودکی و نوجوانی دارند و بعدها ناسازگارانه می‌شوند؛ زیرا مانع از برآوردن نیازهای هیجانی در آن دوران شده‌اند (گونر، ۲۰۱۶).

بدین ترتیب، رویدادهای آسیب‌زای دوران کودکی که در روابط نزدیک به‌ویژه مادر تجربه می‌شوند، نه تنها موجب شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌شوند (کایا تزل، توتارل کیسلک و بویسان، ۲۰۱۵)؛ بلکه به

واسطه این، طرحواره‌ها مانع از گسترش توانایی‌های تنظیم هیجانی به شیوه‌ای سالم می‌شود (دادومو و همکاران، ۲۰۱۶). زمانی که این طرحواره‌ها فعال می‌شوند، می‌توانند بر ادراک، واقعیت و پردازش شناختی فرد اثر بگذارند (کرامیر، جوردا، لوراس، والبورگ و کالاهان، ۲۰۱۱). طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای هیجانی و شناختی خودشنکنده‌ای هستند که در طول دوران رشدی گسترش می‌یابند و در طول زندگی تکرار می‌شوند. طرحواره‌های ناسازگار اولیه شیوه‌های بادوام، پایدار و مقاوم در برابر تغییر نگریستن به‌خود و تعامل با جهان پیرامون هستند (شورای، اندرسون و استوارت، ۲۰۱۳).

این طرحواره‌های غیرانطباقی در بروز آسیب‌های روانی نقش سببی دارند (فارل، ۲۰۱۴). این طرحواره‌ها به‌عنوان راهنمای فرآیندهای شناختی در موقعیت‌هایی مانند توجه، تفسیر رویدادها و بازیابی اطلاعات از حافظه عمل می‌کنند. ساختارهای شناختی بنیان تفکر و رفتار انسان را سازمان می‌دهند (هووس و اوشیا، ۲۰۱۴). با برانگیخته شدن ژرفترین ساختارهای شناختی طرحواره‌ها، افراد معمولاً سطوح بالایی از هیجان‌ها را تجربه می‌کنند. امروزه به روشنی مشخص شده است که تنظیم هیجانی، نقش مهمی در سازگاری با وقایع استرس‌آور زندگی بازی می‌کند (فاسبیندر، واید و آرتز، ۲۰۱۹).

ناکامی نیازهای هیجانی، رشد هیجانی- اجتماعی دوران نوجوانی و بزرگسالی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، از جمله گسترش شناخت‌واره‌های منفی در مورد خود و دیگران، روابط شرطی بین محرک مربوط به آسیب و آشفتگی هیجانی، شناخت‌ها و خاطراتی که محرک‌های محیطی ناخوشایند آغازگر آن هستند و تنظیم هیجانی رشدنا یافته. کودکانی که در دوران کودکی خود آسیب دیده‌اند؛ معمولاً ناچارند درد عاطفی و جسمانی زیادی را تحمل کنند که این مانع از ایجاد احساس امنیت در آن‌ها می‌شود. بنابراین، این کودکان کمتر احتمال دارد مهارت‌های تنظیم مقابله با شناخت‌ها یا هیجان‌های منفی را گسترش دهند (محمودنژاد، کربلایی محمد میگوونی و ثابت، ۱۳۹۷). افراد دارای طرحواره‌های بریدگی و طرد، انتظار ندارند که نیازهای امنیت، ثبات، محبت، همدلی، درمیان گذاشتن احساس‌ها، پذیرش و احترامشان به شیوه‌ای قابل‌پیش‌بینی برآورده شود. طرحواره‌های حوزه محدودیت‌های مختل به‌طور معمول در خانواده‌هایی به‌وجود می‌آیند که وجه مشخصه آن‌ها سهل‌انگاری و سردرگمی است (یانگ، کلوسکو و ویشر، ۲۰۰۶). چنین فردی خویشتن‌دار نبوده و نمی‌تواند ناکامی را به‌قدر کافی تحمل کند. ازسوی دیگر، نمی‌توانند ابراز هیجان‌ها و تکانه‌هایشان را کنترل کنند و به تأخیر بیان‌دازند. در حوزه طرحواره‌ای خودگردانی و عملکرد مختل، انتظارهای فرد از خود و محیط با توانایی‌های محسوس او برای جدایی، بقا و عملکرد مستقل یا انجام موفقیت‌آمیز کارها تداخل می‌کنند (رافائلی، برنستاین و یانگ، ۲۰۱۴). در حوزه گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری، خانواده‌ها بر عملکرد عالی و بی‌نقص‌گرایی تأکید می‌کنند. طرحواره‌های حوزه دیگر جهت‌مندی، به‌طور معمول در خانواده‌هایی به‌وجود می‌آیند که کودک را با قیدوشرط پذیرفته‌اند و کودک در چنین شرایطی برای دستیابی به توجه، عشق و پذیرش دیگران باید جنبه‌های مهم شخصیت خود را نادیده بگیرد (یانگ، کلوسکو و ویشر، ۲۰۰۶). بدین ترتیب، هریک از حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه نوجوانان را در شرایط تجربه اضطراب قرار می‌دهند. حوزه طرحواره‌ای بریدگی و طرد نوجوان که در ارتباط با مادرانی رشدیافته که طرد را در خانواده‌های اصلی خود تجربه کرده‌اند و قادر نیستند عشق و محبت لازم را به

فرزندان خود نثار کنند و بدین ترتیب، دختران این مادران نیز این طرحواره را در خود پرورش می‌دهند و در روابط خود به دلیل درون‌مایه‌هایی از احتمال طرد توسط افراد مهم زندگی، دچار اضطراب خواهند بود. سهل انگاری مادر در فرزندپروری که از حوزه محدودیت‌های مختل و خودگردانی مختل نشئت می‌گیرد، موجب الگوبرداری ناقص از مادر توسط دختر در امورات مهم زندگی می‌شود؛ به طوری که حس بی‌کفایتی در دوران نوجوانی در عملکرد به‌ویژه در مقایسه با هم‌سالان که حال دیگر نقش برجسته‌ای را در زندگی نوجوان ایفا می‌کنند و همین‌طور وابستگی شدید به اطرافیان برای گذران زندگی حتی کوچک‌ترین مسائل روزمره، هیجان‌های منفی مانند اضطراب را در پی خواهد داشت. علاوه بر این، پذیرش مشروط دختر نوجوان به وسیله مادری که خود در چنین شرایطی پرورش یافته به همراه بازدارندگی بیش‌ازحد نوجوان در امورات مختلف و انتظارات غیرواقع-بینانه که از این طرحواره نشئت می‌گیرد، موجب سرافکنندگی نوجوان و تحرک‌پذیری، واکنش‌پذیری هیجانی بالا و گوش‌به‌زنگی او در مواجهه با حتی مسائل و موضوعات کوچک و در نهایت، تجربه اضطراب مفرط و مزمن در دختر نوجوان می‌شود.

نتایج پژوهش حاضر، نشان داد طرحواره‌های ناسازگار مادران با میانجی‌گری تمایزیافتگی خود، اضطراب را در آن‌ها پیش‌بینی می‌کند. در تبیین پیش‌بینی اضطراب دختران براساس طرحواره‌های مادران با میانجی‌گری تمایزیافتگی خود، باید گفت افرادی که از تمایزیافتگی خویشتن بالایی برخوردارند، عقاید مشخص و هویت مستقلی دارند، در برابر رویدادهای زندگی به‌ویژه رخداد‌های تهدیدکننده زندگی با حفظ پاسخ‌های مستقلانه، از رفتارهای انعطاف‌پذیرتری برخوردارند (ترخان، ۲۰۱۸). افراد تمایزیافته اهداف زندگی، افکار و عقاید خود به خوبی آگاهاند (نیکولز و دیویس، ۲۰۱۶) و تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند، آن‌ها می‌توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب کنند و در موقعیت‌های شدیداً عاطفی که در بسیاری از افراد منجر به بروز رفتارهای غیرارادی و گرفتن تصمیمات نافرجام می‌شود، کنترل خود را از دست ندهند و با در نظر گرفتن عقل و منطق تصمیم‌گیری کنند. در مقابل، افراد تمایزنیافته که هویت تعریف شده‌ای از خود ندارند و در نقش‌ها و مسائل بین شخصی موجود همراه با موج عاطفی خانواده حرکت می‌کنند، اضطراب مزمن بالایی را تجربه می‌کنند (مؤمنی و علیخانی، ۱۳۹۲). طرحواره طرد و بریدگی مادران که موجب چسبندگی و آمیختگی بیش‌ازحد نوجوان به مادر در عوض فاصله‌گیری عاطفی به حد کافی و رشد و بلوغ تفکر منطقی می‌شود، سردرگمی نقش در مادران دارای طرحواره محدودیت‌های مختل، طرحواره خودگردانی و عملکرد مختل در مادران که موجب پرورش این حس در دختران نوجوان می‌شود که تمایز از خانواده و تفکیک هیجانی و عقلانی و پرورش هویتی مستقل از خانواده اصلی و یکپارچه امکان‌پذیر نیست و جدایی عاطفی از خانواده فاجعه‌آمیز است، طرحواره گوش‌به‌زنگی بیش از مادران اضطرابی که موجب واکنش‌پذیری هیجانی مفرط فرزندانشان و طرحواره دگرجهت‌مندی این مادران که پذیرش با قید و شرط فرزندان دختران و تلاش‌های مفرط و غیرواقع‌بینانه دختر را برای پیروی و به‌دست آوردن مهر و محبت مادر در عوض جایگاه من، موجب می‌شود همگی در درازمدت اضطراب مفرط و مزمن را در این دختران به دنبال خواهند داشت.

نتایج پژوهش حاضر، تلویحات مهمی در زمینه آسیب‌شناسی، پیشگیری و درمان اضطراب نوجوانان دارد.

براساس نتایج حاصل از پژوهش حاضر آموزش والدین به‌ویژه مادران به‌منظور کاهش تظاهرات طرحواره‌های ناسازگار آن‌ها در روابطشان با فرزندان دخترشان و همچنین تمرکز بر پیش‌آمدگی‌های شخصیتی دختران نوجوان در درمان اضطراب آن‌ها به درمانگران و بالینگران پیشنهاد می‌شود. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر، کنترل نشدن متغیرهایی چون وضعیت اجتماعی-اقتصادی به‌دلیل صرفه‌جویی در زمان و هزینه بود که تعمیم‌یافته‌های پژوهش را با محدودیت مواجه سازد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی متغیرهایی چون وضعیت اجتماعی-اقتصادی نیز کنترل شود. علاوه‌براین، محدودیت دیگر و اصلی این پژوهش استفاده صرف از پرسشنامه‌ها آن هم استفاده از پرسشنامه‌های کشورهای غربی به‌لحاظ نبود پرسشنامه‌هایی مطابق با فرهنگ ایران بود. با در نظر گرفتن محدودیت‌های حاضر پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی پرسشنامه‌هایی مطابق با زمینه‌های فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی ایران ساخته و علاوه بر پرسشنامه‌ها از مشاهده و مصاحبه بالینی برای سنجش متغیرهای این پژوهش استفاده شود.

منابع

- آفتاب، ر. (۱۳۹۵). نقش میانجی‌گر دشواری‌های بین‌فردی در رابطه بین اجتناب تجربی با افسردگی و اضطراب. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*. ۴۰(۴) ۵۲۱-۵۴۰.
- برجلی، م.، مدیگی، ز.، و گلشنی، ف. (۱۳۹۶). رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی مادران با اختلالات اضطرابی دانش‌آموزان. *خانواده و پژوهش*. ۱۴(۳۵) ۳۱-۴۷.
- بهبودی، م. (۱۳۹۲). مدل‌یابی معادلات ساختاری در تبیین رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی مراجعان زن متأهل. *تحقیقات مدیریت آموزشی*. ۵(۱۸) ۶۱-۸۰.
- دانش، ع.، نیکومنش، ن.، سلیمی‌نیا، ن.، سابقی، ل.، و شمشیری، م. (۱۳۹۳). رابطه صفات شخصیتی مادران با کمال‌گرایی دختران نوجوان آن‌ها. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*. ۱۸(۴) ۶۳-۷۸.
- رضایی، م.، غلامرضایی، س.، سپهوندی، م.، ع.، غضنفری، ف.، و دریکوند، ف. (۱۳۹۲). توان طرحواره‌های ناسازگار اولیه و ابعاد شخصیت در پیش‌بینی افسردگی. *فصلنامه اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*. ۱۸(۲۹) ۷۷-۸۶.
- رفیعی، م.، و سیفی، آ. (۱۳۹۲). بررسی پایایی و اعتبار مقیاس اضطراب بک در دانشجویان. *اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*. ۷(۲۷) ۳۷-۴۶.
- رییس‌الساداتی، س. ف.، نظربلند، ن.، و خوش‌کنش، آ. (۱۳۹۵). بررسی رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی با میزان سازگاری زناشویی. *مجله مطالعات ناتوانی*. ۶(۳۵-۲۸).
- زارع‌سلطانی، ا.، و قمری، م. (۱۳۹۵). رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران با اضطراب آشکار و پنهان دانش‌آموزان دختر ابتدایی. *زن و مطالعات خانواده*. ۹(۳۳) ۴۵-۶۲.
- صدوقی، ز.، آگیلار-وفایی، م.، رسول‌زاده طباطبایی، ک.، و اصفهانیان، ن. (۱۳۸۷). تحلیل عاملی نسخه کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ در نمونه غیربالینی ایرانی. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*. ۱۴(۲) ۲۱۹-۲۱۴.
- فخاری، ن.، لطیفیان، م.، و اعتماد، ج. (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود

- در دانشجویان ایرانی. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*. ۴(۱۵)، ۳۵-۵۷.
- فرازمند، ش.، محمدخانی، پ.، پورشهباز، ع.، و دولتشاهی، ب. (۱۳۹۶). نقش منابع بدرفتاری‌های عاطفی دوران کودکی در پیش‌بینی طرحواره‌های ناسازگار شرطی و غیرشرطی در بزرگ‌سالی. *فصلنامه اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*. ۱۱(۴۴)، ۳۷-۴۶.
- کشاوری افشار، ح.، قنبریان، ا.، جبلی، س. ج.، و سعادت، س. ح. (۱۳۹۷). رابطه تمایز یافتگی خود و طرحواره ناسازگار اولیه با مؤلفه‌های عملکرد خانواده در زنان نظامیان شهر تهران. *مجله طب نظامی*. ۲۰(۶)، ۶۳۵-۶۴۴.
- کمالی ایگی، س.، و ابوالمعالی الحسینی، خ. (۱۳۹۵). تبیین راهبردهای تنظیم شناختی هیجان براساس فرآیندهای ارتباطی خانواده و کمال‌گرایی در نوجوانان دختر. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*. ۱۰(۳) پیاپی ۳۹، ۳۱۰-۲۹۱.
- محمدی، ط.، و صابر، س. (۱۳۹۷). نقش واسطه‌ای خودپنداره در رابطه بین دلبستگی به والدین و هم‌سالان با رفتارهای جامعه‌پسند. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*. ۱۲(۳) پیاپی ۴۷، ۵۵۹-۵۶۸.
- محمودنژاد، م.، کربلایی محمد میگونی، ا.، و ثابت، م. (۱۳۹۷). پیش‌بینی ایده‌پردازی خودکشی و خشونت بین‌فردی در کودکان کار براساس آسیب کودکی، دشواری‌های تنظیم هیجان و صفات سنگدلی- فقدان همدلی. *مجله دستاوردهای روان‌شناختی*. ۲۵(۱)، ۱-۲۲.
- مؤمنی، خ.، و علیخانی، م. (۱۳۹۲). رابطه عملکرد خانواده، تمایز یافتگی خود و تاب‌آوری با استرس، اضطراب و افسردگی در زنان متأهل شهر کرمانشاه. *نشریه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*. ۳(۲)، ۲۹۷-۳۲۹.
- نظری، ف.، کاکوند، ع.، و مشهدی فراهانی، م. (۱۳۹۴). رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با شیوه‌های فرزندپروری مادران و اختلال‌های بیرونی‌شده فرزندانشان. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*. ۹(۲) پیاپی ۳۴، ۹۷-۱۱۸.
- هنردوست، ن. (۱۳۹۴). گزارشی از چند کتاب در زمینه طرحواره درمانی. *فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی*. ۵(۱۸)، ۱۶۷-۱۸۰.

References

- Beck, A. T., Epstein, N., Brown, G., & Steer, R. A. (1988). An inventory for measuring clinical anxiety: psychometric properties. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 56(6), 893-897.
- Bosmans, G., Braet, C., & Vlierberghe, L. (2010). Attachment and symptoms of psychopathology: Early maladaptive schemas as a cognitive link? *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 17(5), 374-85.
- Brennan, K. A., Clark, C.L. & Shaver, P. R. (1998). Self-report measurement of adult attachment: An integrative overview. In J.A. Simpson & W.S. Rholes (Eds.), *Attachment Theory and Close Relationships*, (pp. 46-76). New York: Guilford Press.
- Buhk, A. H., Schadegg, M. J., Dixon, L. J., & Tull, M. T. (2020). Investigating the role of negative and positive emotional avoidance in the relation between generalized anxiety disorder and depression symptom severity. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 16, 103-108.
- Cormier, A., Jourda, B., Laros, C., Walburg, V., & Callahan, S. (2011). [Influence

- between early maladaptive schemas and depression]. *L'Encephale*. 37(4), 293-8.
- Dadomo, H., Grecucci, A., Giardini, I., Ugolini, E., Carmelita, A., & Panzeri, M. (2016). Schema therapy for emotional dysregulation: Theoretical implication and clinical applications. *Frontiers in Psychology*. 7, 1987-1987.
- Delattre, V., Servant, D., Rusinek, S., Lorette, C., Parquet, P. J., Goudemand, M., & Hautekeete, M. (2004). [The early maladaptive schemas: a study in adult patients with anxiety disorders]. *Encephale*. 30(3), 255-258.
- Farrell, J. M. (2014). *The Schema Therapy Clinician's Guide: A Complete Resource for Building and Delivering Individual, Group and Integrated Schema Mode Treatment Programs* (1st Ed). Wiley-Blackwell.
- Fassbinder, E., Wilde, O. B. D., & Arntz, A. (2019). Chapter 5-Case Formulation in Schema Therapy: Working with the Mode Model. In U. Kramer (Ed.), *Case Formulation for Personality Disorders* (pp. 77-94). Academic Press.
- Gibson, L. C. (2015). *Adult Children of Emotionally Immature Parents: How to Heal from Distant, Rejecting, or Self-Involved Parents* (1st Ed.). New Harbinger Publications.
- Guadagnoli, E., & Velicer, W. F. (1998). Relation to sample size to the stability of component patterns. *Psychological Bulletin*. 103(2), 265-275.
- Güner, O. (2016). Psychometric Properties and Normative values of Early Maladaptive Schema Questionnaires Set for Children and Adolescents (SQS): Schema Questionnaire for Children and Adolescents. *Clinical Psychology & Psychotherapy*. 24(2), 534-554.
- Hamilton, M. (1959). The assessment of anxiety states by rating. *British Journal of Medical Psychology*. 32, 50-55.
- Hosseini F., Pakize A., & Salari, Z. (2014). The role of early maladaptive schemas and difficulties in emotion regulation in students' anxiety. *Journal of Behavioral Sciences*. 7(4), 297-305.
- Howes, M., & O'Shea, G. (2014). Chapter 10 - Memory and Schemas. In M. Howes & G. O'Shea (Eds.), *Human Memory* (pp. 197-219). Academic Press.
- Janovsky, T., Rock, A., Thorsteinsson, E., Clark, G., & Murray, C. (2020). The relationship between early maladaptive schemas and interpersonal problems: A meta-analytic review. *Clinical Psychology & Psychotherapy*. 27(3), 408-447.
- Kaya Tezel, F., Tutarel Kışlak, Ş., & Boysan, M. (2015). Relationships between childhood traumatic experiences, early maladaptive schemas and interpersonal styles. *Noro Psikiyatr Ars*. 52(3), 226-32.
- Keating, D. P., I. Demidenko, M., & Kelly, D. (2019). Cognitive and neurocognitive development in adolescence. In *Reference Module in Neuroscience and Biobehavioral Psychology*. Elsevier.
- Kline, R. B. (2016). *Principles and practice of structural equation modeling* (4th Ed). New York, NY, US: Guilford Press.
- Körük, S. (2017). Early maladaptive schemas and attachment styles predicting

- tendencies in intimate relationship. *European Journal of Education Studies*. 3(9), 393-411.
- Martin, M. J., Bascoe, S. M., & Davies, P. T. (2017). Family Relationships☆. In *Reference Module in Neuroscience and Biobehavioral Psychology*. Elsevier.
- Mayer, A. (2020). The development of our sense of self as a defense against invading thoughts: From Buddhist psychology to psychoanalysis. *New Ideas in Psychology*. 58, 100775.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2012). An attachment perspective on psychopathology. *World Psychiatry*. 11(1), 11-5.
- Nichols, M. P., & Davis, S. (2016). *Family therapy: Concepts and methods* (11th Ed). Pearson.
- Page, C. E., & Coutellier, L. (2018). Adolescent Stress Disrupts the Maturation of Anxiety-related Behaviors and Alters the Developmental Trajectory of the Prefrontal Cortex in a Sex- and Age-specific Manner. *Neuroscience*. 390, 265-277.
- Quinn, P. D., & D'Onofrio, B. M. (2019). Nature versus Nurture☆. In *Reference Module in Neuroscience and Biobehavioral Psychology*. Elsevier.
- Rafaeli, E., Bernstein, D. P., & Young, J. (2014). *Schema Therapy: Distinctive Features (CBT Distinctive Features)* (1st Ed.). Routledge.
- Sherwood, A., Carydias, E., Whelan, C., & Emerson, D. L.-M. (2020). The explanatory role of facets of dispositional mindfulness and negative beliefs about worry in anxiety symptoms. *Personality and Individual Differences*. 160, 109933.
- Shorey, R. C., Anderson, S., & Stuart, G. L. (2013). Early maladaptive schemas of substance abusers and their intimate partners. *Journal of Psychoactive Drugs*. 45(3), 26-275.
- Shute, R., Maud, M., & McLachlan, A. (2019). The relationship of recalled adverse parenting styles with maladaptive schemas, trait anger, and symptoms of depression and anxiety. *Journal of Affective Disorders*. 259, 337-348.
- Skowron, E. A., & Schmitt, T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscales. *Journal of Marital and Family Therapy*. 29(2), 209-222.
- Smitherman, T. A., Huerkamp, J. K., Miller, B. I., Houle, T. T., & O'Jile, J. R. (2007). The relation of depression and anxiety to measures of executive functioning in a mixed psychiatric sample. *Archives of Clinical Neuropsychology*. 22(5), 647-654.
- Tarkhan, M. (2018). Predicting of Psychological Well-Being through Defence Mechanisms and Cognitive Self-Differentiation in Students. *Social Cognition*. 7(2), 145-185.
- Waller, G., Meyer, C., & Hanian, V. (2001). Psychometric properties of the long & short versions of the Young Schema Questionnaire. *Cognitive Therapy and Research*. 25(2), 137-147.
- Walsh, M. C., Joyce, S., Maloney, T., & Vaithianathan, R. (2020). Exploring the

protective factors of children and families identified at highest risk of adverse childhood experiences by a predictive risk model: An analysis of the growing up in New Zealand cohort. *Children and Youth Services Review*. 108, 104556.

Watson, W. H. (2012). Family Systems. In V. S. Ramachandran (Ed.), *Encyclopedia of Human Behavior (Second Edition)* (pp. 184-193). Academic Press.

Wiedemann, K. (2015). Anxiety and Anxiety Disorders. In J. D. Wright (Ed.), *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition)* (pp. 804-810). Elsevier.

Young, J. E., & Brown, G. (1994). Young Schema Questionnaire. In J. E. Young (Ed.), *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach*. (Rev. ed., pp. 63-76). Sarasota, FL: Professional Resource Exchange.

Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2006). *Schema Therapy: A Practitioner's Guide* (1st Ed.). Guilford Press.